

## خاستگاه مسأله سبک زندگی، نوع جهانبینی ماست

مصاحبه: حجت الاسلام جعفر سماوات، محمد ایرانشاهی

اشاره:

آیت الله سید محمد غروی در سال 1329 در تهران به دنیا آمد. ایشان تحصیلات حوزوی خود را در سال 1341 در مدرسه آیت الله مجتهدی تهران آغاز کرد. او پس از طی دروس سطح، در سال 1348 به قم عزیمت نمود و در قم نیز به درس خارج استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت. وی دروس مختلف فلسفه و عرفان را نزد اساتیدی چون حضرات آیات حسن زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی، فرا گرفت. تدریس خارج فقه و اصول، تألیف دو جلد کتاب و چندین مقاله، راهنمایی و مشاوره ده ها پایان نامه سطح 3 و 4 حوزه، تدریس در دانشگاه های مختلف کشور و همچنین عضویت در دو دوره شورای عالی سیاستگزاری حوزه علمیه، عضویت در جامعه مدرسین، عضویت در شورای مدارک علمی حوزه و عضو هیأت علمی گروه تفسیر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه از جمله فعالیت های علمی و اجرایی ایشان محسوب می شود.

در آغاز بحث بفرمایید بحث سبک زندگی چه خاستگاهی دارد و جامعه اسلامی و ایرانی چگونه می تواند به سود خود از آن منتفع گردد؟ مباحث سبک زندگی در داخل کشور چند سالی است که به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است. نمی خواهم این بحث را عمومی بینم بلکه بیشتر نظرم معطوف به زندگی طلبگی است و اینکه طلبه و عالم دینی چه سبک و الگویی را باید در زندگی خود برگزیند. در سبک زندگی مراتب باید ملاحظه شود. می توانیم یک حداقلی برای سبک زندگی اسلامی تعریف کنیم تا برسد به آن نقطه اوجش که زندگی اولیاء خدا است. بین این شروع و آن اوج، مراتب بسیار زیاد است که باید مورد ملاحظه قرار گیرد. برای یک طلبه نقطه شروع منظور نیست. همان طور که نقطه اوج هم فعلاً مقدور نیست، ولی یک طلبه باید به آن نقطه مطلوب نزدیک و نزدیک تر شود.

حضرت عالی چه خصوصیتی برای سبک زندگی قائلید؟

سبک زندگی بر چگونگی رفتار متمرکز است. اینکه چگونه رابطه ای با خدا داشته باشیم؟ چگونه رابطه ای با دیگران و خانواده داشته باشیم؟ چگونه رابطه ای با طبیعت داشته باشیم؟ انسان می تواند خود را بیابد و بشناسد. ما می توانیم لایه های وجودی و ذهنی خود را ارزیابی کنیم. می توانیم انگیزه ها و اهدافمان را ارزیابی کنیم و می توانیم با خداوند آگاهانه مرتبط باشیم، اما این ارتباط، مقول به تشکیک است و مراتب دارد. همان طور که این تنوع رفتاری در برخورد با دیگران وجود دارد. تمامی این رفتارهای می تواند یک مدل و یک سبک به خود بگیرد؛ بنابراین سبک زندگی محدود به حوزه خاصی نمی شود و همه حوزه های ارتباطی انسان را فرا می گیرد. چگونگی تحقق این الگو در زندگی عملاً مبتنی بر جهان بینی ونحوه نگاه به دنیا و آخرت است. فرض کنید کسی را که اعتقاد به خدا ندارد و جهان هستی را محدود به همین جهان مادی می بیند، در این صورت دیگر نوبت به نحوه تنظیم رفتار چنین فردی نسبت به خدا نخواهد رسید. در اعتقاد ما، مرگ انتقال به سرای دیگر است و رفتارهای این دنیا در نحوه زندگی آن دنیا مؤثر است، ولی کسی که مادی فکر می کند همه این ها را محدود می بیند و طبعاً الگوی رفتاری متفاوتی خواهد یافت. اگر الهی فکر کنیم یک مدل خواهیم داشت و اگر مادی نگاه کنیم، مدل دیگری. اگر به معنای واقعی کلمه موحد باشیم، یعنی واقعا آن چه که در جهان هستی وجود دارد را از خدا بدانیم و اگر باور داشته باشیم به اینکه هر کس تقوا داشته باشد خدا روزی اش را تامین می کند و او را کفالت می کند و... خوب سبک زندگی انسان متفاوت خواهد بود. ما به عنوان طلبه اگر واقعاً بخواهیم به آن چیزهایی که در بحث کلام خوانده ایم باور بورزیم، سبک زندگی الهی خواهیم داشت.

چه نسبتی بین سبک زندگی اسلامی و سیره عملی معصومین (ع) وجود دارد؟

در عمل این دو یکی هستند؛ یعنی سیره نبوی و سیره ائمه اطهار (ع) در عمل، همان سبک زندگی اسلامی خواهد بود. البته باید توجه کرد که آنچه ما از سیره معصومین (ع) می شناسیم کاملاً از منابع استخراج نشده و کار قوی و کاملی رویش انجام نگرفته است. در ارتباط با سیره سیاسی ائمه معصومین (ع) در طول دوپست و پنجاه سال، ائمه ما با مسائل مختلفی روبرو بوده اند و هر کدام هم با یک شیوه خاصی با مساله برخورد کرده اند، آیا تا به حال دنبال کرده ایم که که دقیقاً هر کدام از ائمه (ع) چه شرایط و مقتضیات اجتماعی داشتند و در آن شرایط و مقتضیات با توجه به متغیرهای اجتماعی چطور عمل کردند تا بتوانیم این سیره ائمه معصومین (ع) را متناسب با زمان های مختلف کشف کنیم؟ اگر هم احیاناً چنین کاری شده باشد خیلی کم رنگ است. در شرایط امام حسن (ع) یک وظیفه داریم و در شرایط امام حسین (ع) وظیفه ای دیگر. امام حسین (ع) هم 10 سال از عصرشان درست مثل امام حسن (ع) گذشت، با معاویه وارد جنگ نشد، چه شرایطی پیش آمد؟ آیا ما می توانیم قانونمندی هایی مربوط به آن رفتارهای اجتماعی را کشف کنیم؟ در زمان امام چهارم چه شرایطی وجود داشت؟ حضرت به هیچ وجه خودش را درگیر نکرد، جز با یک شیوه ظریفی خودش را اصلاً درگیر مسائل سیاسی نکرد و به تربیت شاگردان پرداخت. در سیره معصومین (ع) هم سیره گفتاری داریم و سیره عملی، مجموع این ها می تواند سبک زندگی ما را ایجاد کند. اصول سبک زندگی ما همان چیزی است که فقها به دست ما داده اند از واجبات، محرمات و مستحبات و... ولی توجه داشته باشیم این ها عمق و ریشه دارد. یک وقت ما این ها را به طور سطحی ملاحظه می کنیم یک وقت عمیق تر ملاحظه می کنیم. به عبارتی سبک زندگی

اسلامی به آن چیزی که فقهاء از منابع دینی استنباط کرده اند برمی گردد؛ اما این سطوح مختلف می تواند داشته باشد، یک سطحش در حد امام علی(ع) است و سطوح فراوان دیگر در ذیل آن. چیزی که من روی آن تکیه می کنم این است که با حفظ همه این ها و خارج نشدن از این چهارچوب ها ما باید کار را از آن اصل شروع کنیم و به این وظایف و واجبات و محرمات یک مفهوم و معنای عمیقی ببخشیم. دیگر نمازمان یک نماز دیگری باشد، دیگر غیبت نکردنمان هم یک وضعیت دیگر پیدا کند و مابقی رفتارهای فردی و اجتماعی.

در این بین به نظر می رسد سبک زندگی اسلامی به نوعی با ایمان نیز مرتبط خواهد بود.

بله البته ایمان هم مراتب دارد. اینکه شما در جایی فردی را می بینید که حاضر به معامله ربوی نیست، این به دلیل ایمان اوست. ولی در روایات داریم که ایمان مراتب مختلف دارد و کسی که در مرتبه بالاتر قرار گرفته نمی تواند به کسی که در مرحله پایین تر است بگوید تو مؤمن نیستی. یک مرتبه اش این است که باعث می شود که کبر، غرور و حسادت نباشد و انسان به معنای حقیقی توکل داشته باشد، آن تسلیم و مقام رضا را به قضای الهی داشته باشد، ولی این مرتبه بالایش است و همین مرتبه بالا هم باز درون خودش مراتب دارد، یک مرتبه ذهنی و یک مرتبه قلبی و یک مرتبه عملی. گاهی برای کارهایمان توجیه نفسانی درست می کنیم. می گوئیم این نحوه معامله را بانک هم به اسم مضاربه انجام می دهد، بنابراین من هم می توانم انجام دهم. ضعف ایمان، باعث می شود که هواها بر انسان چیره شود و این خود را در رفتار و سلوک عملی شخص نشان دهد. مسأله بدحجابی را ملاحظه می کنید، شما ببینید خانمی به خصوص در کشور ما و یالبینان، می گفت آقا منطقه ای که شیعه نشین هست، بعضی از این خانم ها وقت نماز می آیند مسجد نماز می خوانند با خودشان هم چادر دارند، حتی بعضی از این ها نافله هم می خوانند و حتی نماز شب می خوانند، ولی در اجتماع طور دیگری ظاهر می شوند. می گوید من نیت بدی ندارم. توجیه می کند که شرایط زندگی اینجا این طور است. این گناه را هم آن قدر سنگین نمی داند؛ بنابراین مراتب ایمان در گوناگونی رفتارها و سبک زندگی ما مسلمانان قطعاً مؤثر است.

نقش روحانیت در سبک زندگی اسلامی چگونه ترسیم می شود؟

در تعامل با مردم باید ظرفیت مخاطب در القاء رفتارهای اسلامی رعایت شود. ولی آن چیزی که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است شناخت جایگاه و وظایف خودمان است. اگر جایگاه خودمان را دیدیم و به وظایف مان پرداختیم، شیوه عمل ما و رفتار ما و درس خواندن و تبلیغ ما تغییر خواهد کرد. تنها در این صورت است که می توانیم به فکر اصلاح دیگران هم باشیم.

توجه به خود به چه میزان در تأثیر به دیگران مؤثر است؟

قطعاً تأثیرگذار است، در گذشته یک عالم در مسجد 40-30 سال نماز می خواند افراد بعد از نماز و قبل از نماز با او ارتباط داشتند، استخاره و مسأله شان را با آقا درمیان می گذاشتند. مشکلات زندگی را با آقا در میان می گذاشتند. مردم می فهمند که چه کسی وارسته است، اگر می گوید مردم دنبال دنیا نباشید خودش هم واقعا این طور است. در مرحله اول خودمان، موحد بار بیاییم. خودمان واقعا این باورهایی که در کتاب های اعتقادی است باید به قامتمان بیاید. در واقع همین مسأله سبک زندگی که مطرح می شود آشخور اولیه اش نوع جهان بینی ماست. نوع نگاه ما به زندگی است. نوع بینش به هستی خیلی مهم و تعیین کننده است. آیا نگاه ما به دنیا همان نگاه نهج البلاغه است؟ اگر نگاهمان نگاه گذرا است و جایگاهی نیست، باید تمام ظرفیت هایمان را به کار بگیریم برای جایگاه واقعی، چرا که اصلاً معلوم نیست که تا یک ساعت و یک روز دیگر وضعیتمان چطور باشد. تمام عرض بنده در سبک زندگی همین است. بروز و ظهور مختلف سبک زندگی ما در واجبات، محرمات، مستحبات و مکروهات تحقق می یابد. در افعال معمولی و رفتارهای معمولی یک خطوط قرمز و زردی ترسیم شده ولی آنچه از یک روحانی و یک عالم دینی انتظار می رود تا به مردم هم از او یاد بگیرند؛ به نظر بنده همان اعتقاد و نوع بینش به عالم است. این که ما با آن عقاید زندگی کنیم با آن باورهای ریشه ای زندگی کنیم و عمده ترین مسأله این است که موحد باشیم. هر مقدار موحد باشیم، این خصلت های اخلاقی و ظهورات رفتاری اش سالم تر و کامل تر می شود و الا ما هم مثل دیگران می شویم. الان ما چرا مجبوریم این تشریفات را در عرصه آموزش و پژوهش حوزه انجام بدهیم؟ این کارها را انجام می دهیم که طرف مقابل انگیزه اش قوی تر شود؛ اما آیا در گذشته برای شیخ انصاری چنین امکاناتی فراهم بود؟ برای صاحب جواهر این طور بود؟ مرحوم علامه امینی که این طور خون دل خورد تا این همه منابع را به دست آورد و راه دور و نزدیک را ببیماید، این مشوقات و امکانات را داشت؟ بعضی از علماء در سفرهای زیارتیشان، سعی می کردند نماز مستحبی کم تر بخوانند، نکند در این مستحبی که انجام می دهد وظایف کلان تری متوجه او باشد و او غافل باشد. در مسأله تبلیغ، اینکه یک طلبه برای تبلیغ کجا برود و کجا نرود، گاهی ممکن است نیت غیر الهی به میان بیاید، فی المثل جایی برود که جنبه مادی اش بیشتر باشد. این تغییر رفتارها هم مربوط به درون نفس ما و براساس وابستگی های مادی است. براساس شدت وابستگی های معنوی و چارچوب های آگاهی و روانی ما است. البته خیلی از مواقع هم ناآگاهانه است. من اعتقاد این است که ما باید با انجام بایدها و نبایدهای ظاهری به تقویت آن باورهای درونی برسیم طوری که بتواند هویت ما را تغییر و شکل بدهد. وقتی هویت تغییر می کند یک وضعیت دیگری است و تمام رفتارهای انسان را تحت تأثیر قرار می دهد.

با سپاس از فرصتی که در اختیار محفل قرار دادید.